



جلوه‌ی انسانی مسیح، مریم بر تخت با شش قدیس. حدود ۱۵۱۵، موزه‌ی لوور پاریس

لئوناردو دا وینچی، رافائل، میکل‌آنجلو و فرا بارتولومئو (Fra Bartolomeo) چهار هنرمند مهم رنسانس. پسین ایتالیا به شمار می‌روند. سه نام نخست شهرت جهانی دارند و فرا بارتولومئو در بیرون از ایتالیا کمتر شناخته است. مهم‌ترین نوشته درباره‌ی زندگی فرا بارتولومئو، گزارش جورجیو وازاری (Giorgio Vasari) است با عنوان *'زندگی بزرگ‌ترین نگارگران، تندیس‌سازان و معماران'* (۱۵۵۰، بازنویسی به سال ۱۵۶۸*).

فرا بارتولومئو (۱۴۷۳-۱۵۱۷) پنج ساله بود که پدرش را از دست داد. خانواده از روستا به شهر فلورانس رفت. در این شهر لقب 'باچیو د لا پورتا' گرفت. برای آموزش نگارگری به کارگاه کازیمو روسلی (Casimo Rosselli) رفت. باچیو استعداد بسیار داشت در ژرف‌نمایی و هندسه و سرسخت بود در تمرین و طراحی بسیار تا به دست آوردن حالت و شکل فیگورها و چین و شکن لباس. طراحی‌هاش پر از تحرک‌اند، در حالی‌که نگاره‌هاش انباشته‌اند از آرامش و حالت یادمانه‌ی ایستا و روش کار کلاسیک که در آغاز سده‌ی شانزدهم ایتالیا معمول بود. باچیو کارگاه‌اش را همراه دوست‌اش ماریوتو آلبرتینلی (Mariotto Albertinelli) بنیاد گذاشت. اشراف فلورانس یکی پس از دیگری به او سفارش کار می‌دادند. وازاری نوشته است: 'در فلورانس، باچیو را به خاطر نیکی و صداقت‌اش دوست می‌داشتند. او شیفته‌ی کارش بود، آدمی آرام و خداترس. آرامش را ترجیح می‌داد و خود دور می‌داشت از زندگی پر شر و شور. بسیار گوش می‌داد به موعظه و همیشه دوست می‌داشت با آدم‌های جدی، اندیشمند و باسواد وقت بگذرانند.'

خود را شاگرد واعظ فرا گبرولا (Fra Girolamo Savonarola) (۱۴۹۸-۱۴۵۲) می‌دانست که از ۱۴۹۱ در صومعه‌ی سان مارکو به موعظه می‌پرداخت. شهر، زیر سلطه‌ی لورنزو د مدیچی (Lorenzo de' Medici) به اوج قدرت، ثروت، پیشرفت دانش و هنر رسیده بود، اما در برابر زرق و برق مدیچی مقاومت هم داشت. ساوونارولا می‌خواست از فلورانس، 'اورشلیم نو' بسازد که مسیحیت در شکل ناب‌اش جلوه داشته باشد. سخنرانی‌های آتشین او برای جمهوری عادلانه چنان تاثیری بر شهروندان داشت که مدیچی ناچار شد به سال ۱۴۹۴ از شهر بگریزد. قانون سخت‌گیرانه وضع شد برای رفتار گناه‌آمیز و حتا لباس پوشیدن شهروندان زیر نظر بود. ساوونارولا تل‌های آتش به‌پا می‌کرد برای سوزاندن تندیس‌ها، فرش‌های دیواری، کتاب‌های کفرآمیز بوکاجیو و دانته، سازهای موسیقی، جواهرات، آینه، لوازم آرایش و کار هنرمندانی چون بوتچلی. باچیو نیز طراحی‌ها و تمرین‌هاش از تن برهنه به آتش سپرد.

سخت‌گیری‌های ساوونارولا به شهروندان فلورانس سنگین آمد. سال ۱۴۹۷ فقر و طاعون در منطقه فراگیر شد. سال ۱۴۹۸ مقاومت شهر به صومعه‌ی سان مارکو هجوم برد و ساوونارولا را به اسارت گرفت. او را چنان شکنجه کردند که اعتراف کرد به 'کفر، کوشش برای انشقاق کلیسا، سخن گفتن از امور غیرقابل پذیرش و آسیب به قدرت پاپ'. محکوم به مرگ شد و در پیازا دلا سینیوریا (Piazza della Signoria) فراز تل آتش به دار آویخته شد.

باچیو هنوز پیرو اندیشه‌های ساونارولا بود که به شهر پراتو (Prato) گریخت و از ۱۵۰۰ راهب صومعه‌ی دومینیکن شد. از آن زمان این هنرمند-راهب نامِ فرا بارتولومئو گزید. چهارسال بعد دوباره به نگارگری پرداخت. به احتمال در خفای اتاقک‌اش در صومعه و گاه به گردش در فلورانس. سال ۱۵۰۴ به صومعه‌ی سان مارکو در فلورانس منتقل شد تا به آموزش نگارگری در کارگاه آن بپردازد. همین‌جا نگاره‌های بسیار آفرید که درآمد آن به خزانه‌ی صومعه می‌رفت و کارش مشتری و خواهان بسیار داشت.

در دهه‌ی نخست سده‌ی شانزدهم، فلورانس تبدیل شد به مرکز جنبش‌های نوگرایی هنری ایتالیا. لئوناردو و میکل‌آنجلو روی دو نگاره‌ی دیواری سرسرای گران کونسلیو (Sala del Gran Consiglio) در کاخ فیکی (Pallazo Vecchio) کار می‌کردند. سال ۱۵۰۴، رافائل جوان به فلورانس آمد. رافائل و فرا بارتولومئو با هم دوست شدند. وازاری نوشته است: 'رافائل با اشتیاق به دیدارش می‌آمد تا سلطه‌ی او به کاربرد رنگ بیاموزد، زیرا روش کار او در هم‌آمیزی و هماهنگی رنگ بسیار می‌پسندید و بیش‌تر با او وقت می‌گذراند.'

فرا بارتولومئو بین ۱۵۰۹ تا ۱۵۱۷ در اوج شهرت بود. دیوارنگاره‌های باشکوه، نگاره برای محراب و بسیار نگاره‌های خردتر با جزییات شگفت‌انگیز و رنگ‌های گویا و روایتِ رازواره آفرید.

پس از مرگ گیرولامو ساونارولا چهره‌ای از او پرداخت که تبدیل شد به شمایلِ نمونه‌ی صومعه‌ی دومینیکن. با همه‌ی شیفتگی‌ش به ساونارولا، کوشید تا به جزییات بپردازد و جنبه‌های 'ممنوع' تصویرگری بنماید. در نگاره‌های دینی چهره‌ها و چشم‌اندازهای بسیار پرداخت و حتا نگاره‌ی بزرگی آفرید از سباستین مقدس که نیمه عریان است و به گفته‌ی وازاری 'واقعیتِ نمایان زندگی در آن، زنان را به اندیشه‌های گناه‌آمیز' می‌کشاند.



چهره‌ی گیرولامو ساونارولا (۱۴۹۸-۱۵۰۰) فلورانس، موزه‌ی سان مارکو

فرا بارتولومئو پس از دیدار از ونیز در ۱۵۰۸-۱۵۰۹ نگاره‌هایی با نشانه‌های نگارگری ونیز - رنگ‌های شفاف و فضای آرام - آفرید، چون مادونای سانتوریو (Madonna del Santuario).



مادونای سانتوریو با کودک مسیح، همراه بچیای تعمید دهنده و استفانوس مقدس، ۱۵۰۹

در این نگاره، تأثیر ترکیب‌بندی نگاره‌ها برای محراب از جیوانی بلینی (Giovanni bellini) را می‌توان دید. به روشنی می‌بینیم که راهب چندان توجه به نمایش سنگین چون کار میکل‌آنجلو در نمازخانه‌ی سیستین رُم نداشته و از رنگ‌آمیزی نرم و شفاف و نیزی بیش‌تر استقبال می‌کرده است. وازاری نوشته است: 'نگارگر، از سر عشق سرسخت، در آن کیفیتی آسمانی - درست نمی‌دانم چیست- دیده است، اما اگر خوب و درست نگاه کنیم، همه‌ی آن درمی‌یابیم!' فرا بارتولومئو هیچ شتاب نمی‌کرد و برای هر کار تمرین و فکر بسیار می‌کرد؛ هم روی شخصیت‌ها و هم ترکیب‌بندی کار. نمایش‌گاه کارهاش در موزه‌ی بویمانس و بونینگن روتردام جذاب و شگفت‌انگیز است. بین سال‌های ۱۵۰۰ و ۱۵۲۰ که رنسانس پسین خوانده می‌شود، این راهب فرقه‌ی دومینیکن، یکی از هنرمندانی است که نقش مهمی در رشد هنر نگارگری فلورانس داشته است.

سرسرای بزرگی چون شبستان کلیسا در موزه، با آذین کف به شیوه‌ی معماری کلاسیک گذاشته‌اند برای نمایش کارهای این هنرمند. در سمت چپ و راست شبستان مرکزی راهروهای فرعی قرار داده‌اند که در هر کدام کاری بزرگ از او قرار دارد. همه‌ی کارهاش به دلیل آسیب‌پذیری و یا چسبیده بودن به دیوار، گرد نیامده، اما هم‌این یازده نگاره‌ی حاضر اوج کیفیت هنر رنسانس پسین به نمایش گذاشته است. نخستین بار است که موزه‌ای در جهان نمایش‌گاه کارهای این هنرمند برپا کرده است.



تمرین فیگور مادونا دلا میسریکوردیا (حدود ۱۵۱۵)

به سمت چپ و راست، کنار نگاره‌های بزرگ برای محراب، طراحی‌های قرار دارند که هر کدام نمایش تمرین‌های روی جسم و صورت شخصیت‌ها در نگاره‌هاست. فرا بارتولومئو بسیار تمرین می‌کرد برای بازتاب موضوع. بارها از یک حالت طرح می‌کشید تا آنی را که می‌خواست در نگاره‌ی بزرگ‌تر بگنجاند. جز حالت‌های چهره، روی چین‌های پارچه و ردا نیز مطالعه و تمرین می‌کرد. دست آزاد هنرمند می‌تواند به خوبی در طرح‌ها و خط‌های تکرار شده دنبال کرد. آن قدر به این کار پرداخته تا شکل درست به دست آورد.

طرح‌ها با گچ سیاه و قرمز از گنجینه‌های موجود در همین موزه‌اند و کار دنبال کردن شیوه‌ی کار هنرمند آسان می‌کنند. برای نگاره‌ی عظیم دواوری نهایی نزدیک به شصت طراحی در دست است از سر و کلاه، فرشتگان و دست‌ها. نیمی از این تمرین‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند.



چند طرح برای نگاره‌ی دواوری نهایی (۱۵۰۱-۱۴۹۹)

طرح‌های دیگر، همه تمرین‌اند برای ده پروژه‌ی نگاره‌های بزرگ محراب.

فرا بارتولومئو از جزییات نمی‌گذشت. دفترهایی داشت پر از طرح با گچ سیاه و سرخ. تا اکنون نزدیک به هزار طرح از او شناخته شده‌اند. از هیچ نگارگر رنسانس این همه طرح و تمرین 'دست‌گرمی' باقی نمانده است. ۴۰۰ صفحه با ۵۰۵ طراحی از پس سده‌ها و سال‌ها و گذراندن سرقت و غارت رسیده است به تماشای ما. فرا بارتولومئو پیش از مرگ دفترهایش را سپرد به شاگردش فرا پائولینی (Fra Paolini) که او نیز همگی دارای صومعه پیش از مرگ به سال ۱۵۴۷ سپرد به راهبه‌ای نگارگر. سور پلاوتیلا (Suor Plautilla) نخستین زن هنرمند فلورانس در صومعه‌ی سان مارکو و نیز سانتا کاترینا است. پس از مرگ او به سال ۱۵۸۸، دفترهای طراحی و ابزار کارگاه به انبار صومعه سپرده شده و با گذر زمان فراموش شد. صد و پنجاه سال بعد، فرانچسکو گابوری (Francesco Gabburi) سیاستمدار و گردآورنده‌ی کارهای هنری گذارش افتاد به صومعه که در نزدیکی خانه‌اش بود. راهبه‌گان هیچ نمی‌دانستند از ارزش کارها و حتا برخی به عنوان کاغذ بسته‌بندی استفاده می‌کردند از آن. گابوری همگی آن‌ها را خرید و در دو آلبوم جلد چرمین گرد آورد. در سده‌ی نوزدهم پادشاه هلند آن را از تاجر آلمانی ساکن هارلم -هلند- خریداری کرد. سال ۱۹۴۰، پیش از حمله‌ی نازی‌ها به هلند، بارون بندر روتردام و یکی از بنیادگذاران موزه بویمانس و بونینگن آن را خرید و پنهان کرد.

سده‌ها طول کشید تا بازمانده‌ی کارهای فرا بارتولومئو در ۸۸۳ صفحه با یازده موضوع گوناگون گردآوری و جداسازی شود. چهار پرده‌ی لوله شده‌ی کتان با طرح‌های قلمی از چشم‌انداز، ۱۰۶ طرح قلمی چشم‌انداز روی کاغذ، ۱۲ کتابچه‌ی طراحی با قلم و گچ، ۲۲ مدل مومی از کودکان، ۶۳ تندیسک گچی دست، پا، نیم‌تنه و سر کودک و دو عروسک بزرگ گچی به اندازه‌ی طبیعی از درون کارگاه-صومعه به موزه‌های جهان راه یافته‌اند. فرا بارتولومئو راهب بود و اجازه نداشت از مدل زن استفاده کند. اما راه حل داشت برای آن. وزاری نوشته است: 'برای طرح پرده‌ی بستر - پشه‌بند - زره و غیره، می‌داد عروسک‌های چوبی به اندازه‌ی طبیعی بسازند که اعضای مختلف آن قابل جدا شدن بود. بر آن‌ها لباس می‌پوشاند و حالت دلخواه به آن می‌داد و روی چین و شکن و سایه روشن در حالت‌ها و ترکیب‌های گوناگون تمرین می‌کرد. پس از یافتن درست‌ترین حالت می‌کشید طرحی به حالت طبیعی از آن بزند با جزییاتی که مدل چوبی امکان آن نداشت.' حدس زده می‌شود که از دستیاران، راهبان و شاگردان‌اش برای طرح چهره استفاده می‌کرد.



مادونای میسریکورديا، حدود ۱۵۱۵، موزه ملی Villa Guinigi

در نگاره‌های فرا بارتولومئو زیبایی، هماهنگی و ایستایی. یادمانه جلوه‌ی خاص دارند. لئوناردو داوینچی، میکل‌آنجلو و رافائل معاصران فلورانس او بودند، اما او را از بازماندگان هنری راهب‌نگارگر دیگری به نام فرا آنجلیکو (Fra Angelico) می‌شناسند که هفتاد سال پیش‌تر می‌زیسته و نگارگر موفق صومعه‌ی سان مارکو بوده است. نمایش‌گاه، برای شناخت بیش‌تر کارهای او، طرح‌هایی از دونالدو، فرا آنجلیکو، جیوانی و جنتیل بلینی، لئوناردو داوینچی، رافائل و میکل‌آنجلو به نمایش گذاشته است؛ همراه دو طرح از چهره‌ی دوستان هنرمند - رافائل و میکل‌آنجلو. با مجموع این طرح‌ها و نگاره‌ها یاری می‌شویم در شناخت گام به گام ظهور جنبش رنسانس. قلب نمایش‌گاه اما شده است محراب موزه با مادونای میسریکوردیا (*Madonna della Misericordia*) از حدود ۱۵۱۵. این نگاره برای صومعه‌ی سان رومانو در لوکا (Lucca) آفریده شده است. در این ترکیب‌بندی پویا، مریم در مرکز نگاره است و بالای سر او مسیح که آغوش باز کرده است به جهان. فرشتگان ردایی آبی رنگ بر شانه‌ی مریم می‌آویزند که نشان حمایت از باشندگان لوکا دارد. نگاره‌ای به ارتفاع چهار متر پر از تحرک و جنبش و فضایی متمرکز. حالت‌ها، چهره‌ها، نور و نقش پارچه، همه گرد آمده‌اند تا دست قوی استاد به نمایش بگذارند.

چهار اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۲۴ آپریل ۲۰۱۷

* Vite de' più eccellenti pittori, scultori e architettori